

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره هشتم ، شماره بیست و هشتم ، تابستان ۱۳۹۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۰۲/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۰۶/۱۸

صفحات: ۱۳۷ - ۱۱۵

ارزیابی اثرات مکتب مدرنیسم بر هویت شهرهای

ایرانی - اسلامی

انسیه سید علیان^۱، کمیل عبدی*^۲، شمیلا الهیاری^۳

چکیده

مدرنیسم پدیده ای است که نخستین نشانه های آن با آغاز دو انقلاب صنعتی و سیاسی در انگلستان و فرانسه در سده هجدهم میلادی نمایان شد. ویژگی اصلی مدرنیسم تحول دایمی و پویایی است. مدرنیسم (نهضت فکری که همچنان ادامه دارد) همواره خود را در ستیز و چالش با کهنگی، کهنه پرستی و عقب افتادگی قرار می دهد. این مکتب به عنوان یک الگوی نظری عام برای آزادسازی انسان از حصارهای غیر عقلانی، سنت گرایی های تخریگانه و افسانه های موهوم معرفی شد و انسان مدرن را دارای ویژگی هایی مانند: آمادگی جهت پذیرش تجربه های جدید، استقلال، علم گرایی، تحرک گرایی، استفاده از برنامه ریزی و غیره دانست. زندگی شهری امروزه یکی از نشانه های بارز نفوذ مدرنیسم به زندگی جوامع بشری است. با وجود همه پیچیدگی های مفهوم هویت و تلقی های متفاوت صاحب نظران از آن برکسی پوشیده نیست که هویت شهرهای معاصر ایرانی - اسلامی دچار بحران گشته و بصورت مفهومی انتزاعی درآمده است این مقاله با استفاده از کتب کتابخانه ای و مطالعات اسنادی سعی در بررسی اثرات مکتب مدرنیسم بر هویت شهرهای ایرانی - اسلامی و مشکلات پیش رو دارد. برطبق نظر بسیاری از صاحب نظران امر ضعف در نظام مدیریت معماری و شهرسازی استفاده نامناسب از فرهنگ بومی و اقلیمی، عدم شکل گیری موسسات غیردولتی منسجم، عدم توجه به پتانسیل بافت های سنتی و رویکردهای تاریخ گرایانه بدون توجه صحیح به مولفه

^۱ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان - ایران

seyedaliamonir@gmail.com

^۲ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان - ایران (نویسنده مسئول)

komeil.abdi69@gmail.com

shamila.allahyari@gmail.com

^۳ - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه گیلان

های معماری تاریخی و هویت ایرانی - اسلامی از جمله علل بحران به وجود آمده در هویت ایرانی - اسلامی است. در انتهای مقاله نیز راهکارهایی را در جهت برون رفت از مشکلات مکتب مدرنیسم و شکوفایی مجدد هویت ایرانی - اسلامی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: مدرنیسم، هویت، شهر ایرانی - اسلامی، توسعه فضایی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بیان مساله

واژه مدرن به معنای امروزی و جدید است و مدرنیسم یعنی نوگرایی، امروزی شدن و نگاه نو به هستی و زندگی ادمی داشتن. اصطلاح مدرنیته اولین بار در آثار ژان ژاک روسو، فیلسوف فرانسوی، در قرن هجدهم به کار رفت. در فارسی معمولا کلمه تجدد را برابر مدرنیته به کار می برند که با تجددگرایی (مدرنیسم) تقریبا مترادف است و کاربرد همسانی دارد. ویژگی اصلی مدرنیته تحول دایمی و پویایی است. مدرنیته (نهضت فکری که همچنان ادامه دارد) همواره خود را در ستیز و چالش با کهنگی، کهنه پرستی و عقب افتادگی قرار می دهد [۱].

مدرنیسم پدیده ای است که نخستین نشانه های آن با آغاز دو انقلاب صنعتی و سیاسی در انگلستان و فرانسه در سده هجدهم میلادی نمایان شد. این مکتب فکری ریشه ای دیر پادر اوایل قرن ۱۵ میلادی داشت و همزمان با تولد تعریف جدیدی از انسان در اروپای شمالی مطرح شد. این مکتب همراه با ظهور دو انقلاب نام برده به عنوان یک الگوی نظری عام برای ازادسازی انسان از حصارهای غیر عقلانی، سنت گرایی های تحجرگونه و افسانه های موهوم معرفی شد و انسان مدرن را دارای ویژگی هایی مانند: آمادگی جهت پذیرش تجربه های جدید، استقلال، علم گرایی، تحرک گرایی، استفاده از برنامه ریزی و غیره دانست [۲].

مدرن بر اساس تبارشناسی واژگان، واژه جدیدی نیست، مکتب مدرنیسم از نافذترین جریان معماری و شهرسازی غربی است که از ابتدای عصر پهلوی تا کنون در معماری ایران رواج داشته است. گفت و گو از مدرنیسم در شهرسازی به دو دلیل عمده مبرم و اجتناب پذیر شده است: نخست اینکه دوران مدرن فرهنگ جهان شمولی را با خود به همراه آورده است و از ان گریزی نیست تشابه فرم شهرها در نقاط مختلف جهان شاهد این مدعا است. دلیل دوم تبیین اجتماعی - اقتصادی دوره مدرن ایرانی و تبلور سازمان فضایی آن یعنی شهر است. در

جهان مدرن دیگر هیچ کس و هیچ چیز مقدس نیست؛ تقدس جایی در زندگی جدید ندارد [۳]. بیشتر جامعه شناسان معتقدند جریان نوگرایی از بطن جوامع غربی برخاسته و برآمده از شرایط ویژه اقتصادی این جوامع است. به عبارت دیگر همه ی ان ویژگی هایی که در پیدایش جریان نوگرایی دخیل بوده اند، با مجموعه ای از تغییراتی در ارتباط بوده اند که هسته اصلی ان ها را تحولات اقتصادی تشکیل داده است. جوامع غربی در مسیر حرکت تدریجی به سمت توسعه و صنعتی شدن، نظام ارزشی متناسب با نظام اقتصاد سرمایه داری را نیز بسط داده اند. اما در کشورهای جهان سوم وضع به گونه ای دیگر است. در این کشورها توسعه صنعت در قالب فرایند نوسازی از غرب وارد شده و نوگرایی همچون پدیده ای بیگانه، با بستر فرهنگی و نظام سنتی این جوامع در تعارض قرار گرفته است [۴]. یکی از عواملی که موجب افزایش کیفیت فضای شهری می شود، حس مکان است. حس مکان به معنای ادراکات ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آن ها از محیط خود است که شخص را در ارتباط با محیط قرار می دهد؛ بطوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می شود. حس مکان موجب احساس راحتی در محیط، احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی، حمایت از مفاهیم فرهنگی مورد نیاز مردم، حمایت از روابط فرهنگی و اجتماعی جایادآوری تجارب گذشته، دستیابی به هویت و در نتیجه بهره برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده کنندگان، احساس تعلق به محیط و تداوم حضور در آن می شود [۵]. امروزه شهرها در حال از دست دادن هویت خود هستند. به طور معمول یک شهر ممکن است به آسانی میراث تاریخی و ویژگی ای منحصر به فرد خود را در ازای سازگاری با نیاز به اتومبیل، ویران سازد و از دست بدهد و به جای آن ها برج ها بر محیط شهری همان گونه که در تمامی شهرهای جهان دیده می شود- مسلط شوند. مناطق شهری دچار از هم پاشیدگی شدکاربری ها به گونه ای جدا از یکدیگر قرار گرفته اند که تأمین و تدارک تسهیلات حمل و نقل عمومی در آن ها بسیار مشکل و گران قیمت خواهد بود. توسعه جدید اغلب کسالت بار و بی روح و بسیار معمولی است [۶]. بنابراین در شهر پایدار، علاوه بر توجه به اکولوژی، محیط زیست، انرژی و ... باید حس تعلق

به مکان، هویت شهری ایجاد و افزایش یابد. امری که با ورود مکتب مدرنیسم روزبه روز کمرنگ تر شده است. با توجه به مطالب گفته شده هدف از مقاله حاضر بررسی و ارزیابی اثرات مکتب مدرنیسم بر هویت شهرهای ایرانی - اسلامی و مشکلاتی که در پی آن به وجود می آید را می پردازد.

روش تحقیق

روش تحقیق در نوشتار حاضر «توصیفی - تحلیلی» است. و در این راستا مبنای تحلیل بر استفاده از منابع داخلی و خارجی جدید می باشد. ابتدا مبادرت به بررسی و تبیین مکتب مدرنیسم کرده و سپس به اثرگذاری این مکتب بر هویت شهرهای ایرانی - اسلامی خواهیم پرداخت.

مکتب مدرنیسم

واژه «مدرن» که امروزه در زبان های مختلف از جمله در زبان فارسی، رایج شده است، ریشه در لغت لاتین «modus» دارد. واژه ی «modus» (منشاء «mode» [شیوه - باب روز] و «model» قالب - الگو] انگلیسی) به معنی «measure» (اندازه - مقیاس - پیمان) است. واژه «مدرن» پیشینه ای دراز دارد. این واژه در شکل لاتین، نخستین بار در قرن پنجم میلادی، برای تمایز کردن دوران مسیحیت از دوران جاهلیت و کفر، استفاده می شد. این واژه، از آغاز تا کنون، مفهوم گذار از کهنه به نو را افاده کرده و در هر حال، برای نشان دادن کیفیتی جاری است که با گذشته نیز تفاوت دارد. بسیاری از مردم که واژه مدرن را در گفتار روزمره خود به کار می برند، مقصودشان: «چیزی نو و امروزی است که به جای چیزی کهنه که دیگر قابل قبول نیست، قرار گرفته باشد» و از نظر شماری از نظریه پردازان علوم اجتماعی نیز،

مشروعیت «مدرن» بودن، از پیکار آن با سنت، حاصل می شود [۷]. روند پرشتاب شهرسازی مدرن در طول قریب به دو بیست سال، گونه های متنوعی از نوپردازی های شهری (مدرنیزاسیون شهری) را تجربه کرده است. تامل در ماهیت این تجربه ها گواه بر حضور ملموس ویژگی های ثابت در آن هاست [۸] مدرنیسم به مجموعه ای خاص از سبک های فرهنگی و زیباشناختی ملازم با جنبشی هنری مربوط می شود که حدود اوایل قرن بیستم میلادی شروع شد و تا نیمه ی دوم همین قرن، بر هنرهای گوناگون سلطه داشت. این واژه بسیار پیچیده است؛ چرا که از یک سو، به فلسفه و فرهنگ دوران مدرن اشاره دارد و از سوی دیگر، جنبش های تاریخ هنر در یکصد سال میان ۱۸۵۰ تا ۱۹۵۰ میلادی را در بر می گیرد [۹]. مدرنیسم پدیده ای است که نخستین نشانه های آن با آغاز دو انقلاب صنعتی و سیاسی در انگلستان و فرانسه در سده هجدهم میلادی نمایان شد. این مکتب فکری ریشه ای دیر پا در اوایل قرن ۱۵ میلادی داشت و همزمان با تولد تعریف جدیدی از انسان در اروپای شمالی مطرح شد. این مکتب همراه با ظهور دو انقلاب نام برده به عنوان یک الگوی نظری عام برای آزاد سازی انسان از حصارهای غیر عقلانی، سنت گرایی های تحجرگونه و افسانه های موهوم معرفی شد و انسان مدرن را دارای ویژگی هایی مانند: آمادگی جهت پذیرش تجربه های جدید، استقلال، علم گرایی، تحرک گرایی، استفاده از برنامه ریزی و غیره دانست [۱۰]. با شروع مدرنیسم در غرب، تحولی شگرف در معماری و شهرسازی غربی به وقوع پیوست، برخورد مدرنیسم با شهرهای اسلامی نباید با همان انگاره های غربی باشد که از فرهنگ، عوامل اقتصادی، اجتماعی و آداب و سنن مغرب زمین نشأت گرفته است. البته این به معنای عدم توسعه و پیشرفت شهرهای اسلامی نیست، بلکه یک شهر اسلامی ضمن بهره مند شدن از مزایای یک شهر مدرن، بایستی با حفظ هویت و روحیه اسلامی و میراث فرهنگ غنی، در بستر زمان به مسیر خود ادامه دهد. امروزه معماران و شهرسازان به بهانه مدرنیته در شهرهای اسلامی دست به اقداماتی می زنند که فاقد هرگونه هویت و روحیه اسلامی است. بیننده با دیدن این آثار نه تنها احساسش نسبت به هویت و تشخیص شهر بیشتر نمی شود بلکه فراموش می کند در کدام شهر و با کدام روحیه و با چه هویتی زندگی می کند [۱۱]

اصول پنج گانه اصلی نهضت مدرنیسم

- اومانیزم
- سکولاریسم
- راسیونالیسم
- مطلوبیت گرایی
- پوزیتیویسم

ویژگی مدرنیته و اثرات آن بر شهرسازی [۱۲]

اثرات آن بر شهر	ویژگی های مدرنیته
<p>تولد رشته شهرسازی به عنوان یک گرایش علمی باز شدن زمینه مطالعات شهری موضوعیت یافتن شهر به عنوان مساله علم شناخت کامل از انسان و عملکردهای او و طراحی شهر برای پاسخگویی به نیازهای انسان.</p>	<p>علم</p>
<p>تغییر شکل کالبدی شهر که با تکنولوژی همنوایی داشته باشد، چه به صورت تغییرات شدید در بافت های کهن و چه بافت های جدید شهری؛ یکسان سازی شهر در سراسر جهان به صورت نسخه های قابل تولید سرعت در ساخت و ساز شهری تعریف کاربری های جدید از قبیل صنایع، ایستگاههای راه آهن، مترو تولید انواع جدید شهر (شهر عمودی، شهر گسترده، شهر مجازی و....)</p>	<p>تکنولوژی و تحولات شگرف صنعتی</p>

<p>مرکزیت شهر از کلیسا در مرحله اول به مراکز اقتصادی - مالی و بازرگانی و تجاری و در مرحله دوم به سایر فضاهای شهری ؛ مانند: میادین و خیابان ها، گذرها تغییر می یابد</p> <p>رعایت مقیاس انسانی در فضا</p> <p>تغییر مبانی و معیارهای رفتار شخصی و اداب اجتماعی در شهر از قواعد مذهبی به قوانین عرفی و حقوقی شهری.</p>	<p>خدازدایی</p>
<p>عدم دوام و بقای شکل و محتوای شهرها برای مدت قابل توجه از زمان</p>	<p>شتاب و تحولات و دگرگونی</p>
<p>جهانی شدن تمامی مسایل مربوط به شهر</p>	<p>پهنه دگرگونی</p>
<p>تولید فرهنگ های شهری در تقابل با فرهنگ های روستایی</p> <p>تولید خرده فرهنگ های شهری (بالا شهری/پایین شهری و...)</p>	<p>تصور فعالیت بشری به عنوان فرهنگ</p>
<p>آن چه به شهر وابستگی دارد در این چرخه وارد می شود؛ زمین، مسکن، تراکم و..... عامل سرمایه گذاری، تجارت و دریافت سود بیشتر می شود</p> <p>اقتصاد شهری به صورت شاخص های موثر</p>	<p>سرمایه داری و چرخه بی آرام آن</p>

کنگره های دهگانه شهرسازی مدرنیسم [۱۳]

نتایج	کنگره
<p>تدوین اهداف و قوانین مجمع و تصویب اصول شهرسازی کارکردی تحت عنوان (مسکن، کار، آمدوشد و اوقات فراغت) که توسط لوکوبورزیه تنظیم و رایه گردیده بود</p>	<p>لاساراز سوییس (۱۹۲۸)</p>
<p>موضوع اصلی درباره تامین مسکن حداقل بود</p>	<p>فرانکفورت المان (۱۹۲۹)</p>
<p>موضوع اصلی این کنگره روش های منطقی در استقرار بناها بود</p>	<p>بروکسل بلژیک (۱۹۳۰)</p>
<p>موضوع این کنگره شهرکارکردی و همچنین حفاظت از میراث معماری بود</p>	<p>آتن یونان (۱۹۳۳)</p>
<p>موضوع اصلی این کنگره مسکن و اوقات فراغت بود</p>	<p>پاریس فرانسه (۱۹۳۷)</p>

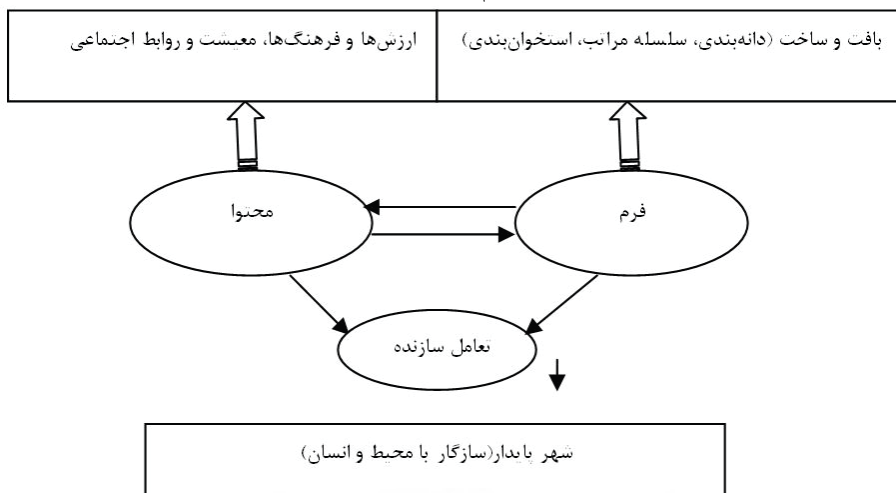
این نشست که به علت شروع جنگ جهانی دوم با ۸ سال تاخیر انجام شد موضوع اصلی آن زیبایی و زیبایی شناسی در معماری و شهرسازی بود	بریج واتر انگلستان (۱۹۴۷)
موضوع اصلی این کنگره نیز بحث زیبایی در معماری و شهرسازی بود و کشمکش بین نیروی حس تخیل و حس عمومی در بحث طراحی بود	برکامو ایتالیا (۱۹۴۹)
موضوع اصلی این کنگره توجه به مرکز شهر بود	هادسان انگلستان (۱۹۵۱)
موضوع اصلی این کنگره توجه به محیط زندگی بیرون از چهار دیواری خانه بود	پروانس فرانسه (۱۹۵۳)
این کنگره که آخرین کنگره شهرسازی مدرنیستی بود توسط گروه ۱۰ برگزار گردید و وظیفه آنان تنظیم منشوری بود که در آن، سرفصل های مربوط به محیط زندگی انسان فهرست شده باشد.	دوبروینگ یوگسلاوی (۱۹۵۶)

توسعه فضایی - کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی قبل از مدرنیسم

ساخت هر شهر از یکسو نمایانگر هماهنگی فضایی کالبدی شهر با شرایط و عوامل مزبور و از سوی دیگر گویای چگونگی جریان فعالیت های اصلی شهر است [۱۴]. شهرسازی قبل از ۱۳۰۰ در ایران حاوی نشانه هایی بود که گویای نمونه های ویژه شهر سنتی خاورمیانه به شمار می رفت [۱۵]. معماری رایج و شهرسازی وابسته به آن تابعی بود از انواع مصالح ساختمانی، دانش فنی و اعتقادات و باورهای دینی و در مناطق مختلف متناسب با آنچه در طبیعت از انواع مصالح ساختمانی مانند: سنگ، چوب و گل در اختیار انسان می گذاشت از آن ها استفاده می کرد [۱۶].

آنچه در شهر ایرانی - اسلامی مطرح است رعایت کلیه اصول زندگی بومی است. در واقع شهر ایرانی - اسلامی شکل تبلور یافته فرهنگ محیط خود است. تطابق فرم و محتوا زمینه هم زیستی پایدار و رفاه شهروندی را در شهرهای ایرانی - اسلامی فراهم نموده و هویت نمود بارز آن است. شکل زیر بیانگر روابط ارگانیک فرم و محتوا در شهر ایرانی اسلامی است.

روابط ارگانیک و پایدار فرم و محتوا در شهر ایرانی-اسلامی

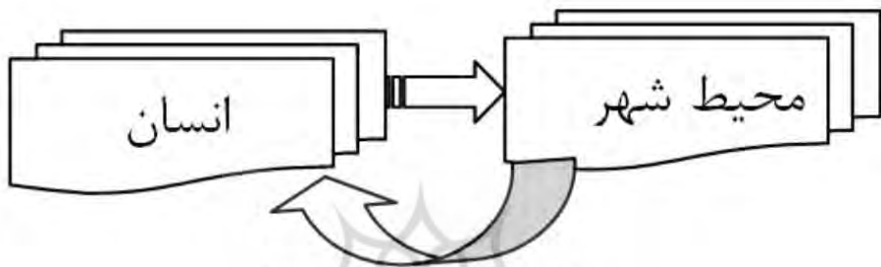


شهرهای ایرانی - اسلامی بعد از مدرنیسم

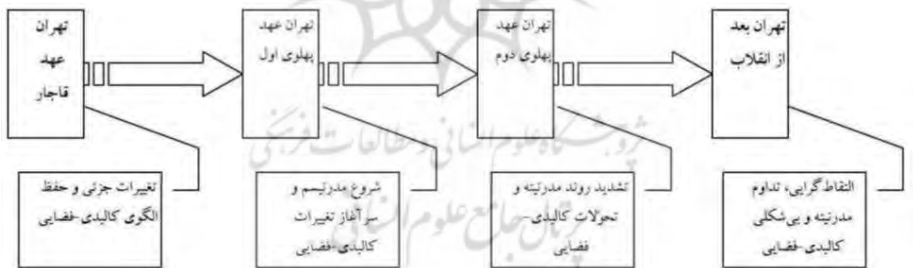
شروع تحولات در روند شهر و شهرسازی در ایران را شاید بتوان از دوره مشروطیت دانست. البته پیش از آن در زمان قاجار و یا حتی صفویه، شاهد تاثیرپذیری‌ها و الگوبرداری‌هایی بودیم. اما آغاز دگرگونی‌های شدید و تاثیرپذیری از رشد سرمایه داری را می‌توان از اوایل حکومت پهلوی دانست [۱۷]. سیاست دولت در زمینه مدرنیسم شهری به یکی از تعیین کننده ترین دگرگونی‌هایی منجر شد که ریخت و ظاهر شهرهای سنتی ایران را تحت تاثیر خود قرار داد. این اصول نوسازی شهری اغلب بدون توجه به الگوهای تاریخی و الهام‌گیری از طراحی‌های معماری سنتی و یا عنایت به ارزش‌های درون‌زای فرهنگی، طراحی و اعمال می‌شود [۱۸]. از دهه ۱۳۰۰ به بعد در شهرهای ایران تغییرات کالبدی چشم‌گیری رخ داد. همه این تغییرات در رابطه با ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه و قرار گرفتن ایران در سیستم سرمایه داری جهانی قابل بررسی است. خیابان‌های بسیاری بنابر خواست‌های بورژوازی در حال رشد ایجاد شد، بدین ترتیب ساخت شهرها نیز دگرگون شد [۱۹]. کانون‌های شهری مانند تهران، تبریز و اصفهان بر اثر رشد نامتعادل شهری از ۱۳۰۴ به بعد شاهد گسترش بی

سابقه ای شدند. شریان های اصلی امد و شد به عنوان محور احداث شبکه های منظم خیابانی با جهت شرقی-غربی و شمالی-جنوبی مطرح شدند که غالباً از وسط حوزه های مسکونی می گذشتند [۲۰] معماری ایران در قرن ۱۹ و قرن بیستم به تدریج و همواره تحت تاثیر روند تغییرات معماری غربی بوده است. با این حال سرعت و ماهیت این تعامل در مراحل مختلف متفاوت است [۲۱]

روابط انسان و محیط کالبدی شهر



روند تحولات کالبدی-فضایی تهران



مقایسه ویژگی های اعتقادی دوره سنت گرایی و مدرنیسم [۲۲]

مدرنیسم	سنت گرایی
بشر عزم غلبه بر طبیعت و بهره برداری بی حد و حصر از آن را دارد	بشر جزئی از طبیعت است و مقهور آن
انسان در پی تصرف در طبیعت و هستی است	انسان در پی شناخت طبیعت و هستی از طریق بحث ماورالطبیعه است

بینش و تفکر بشر اسطوره ای است	جهان بینی بشر عقلانی است و ان چه غیر عقلی (پوزیتیویسم منطقی) است مردود می باشد
محدودیت زمان و مکان	بیکرانی زمان و مکان
برنامه ریزی محدود	برنامه ریزی سنجیده و متمرکز
هنر هدفمند بر مبنای اعتقادات	هنر دارای سبک و در خدمت اقتصاد
ارگانسیم طبیعی	ساختارگرایی
فرهنگ واحد قومی	اعتقاد به یک فرهنگ مسلط و برتر
رواج علوم نظری	گسترش علوم عملی و فناوری

هویت شهرهای ایرانی - اسلامی

سبک رایج معماری در یک شهر یکی از اصلی ترین جلوه های هویت ظاهری و کالبدی شهر را به نمایش می گذارد. هویتی که می تواند انحصاری یا مشترک بین چند شهر باشد. این هویت می تواند ناشی از شرایط اقلیمی و سرزمینی و استفاده از مصالح خاص و میزان ثروت جامعه و حتی ارزش های فرهنگی و رفتارهای ویژه باشد [۲۳]. فقدان هویت در کشورهای درحال توسعه مشترک و مشابه است دلیل آن نیز توسعه سریع است که شهرها محله های با کیفیت پایین را ایجاد کرده است و ساختار واقعی محیط زیست قدیمی نابود شده است. نیاز به تولید انبوه منجر به یکنواختی ای از تحولات ساخت و ساز شهری شده است و انواع هویت معماری نیز بیش از هر زمان دیگری از بین رفته است [۲۴]. آگاهی از بحران های هویتی موجود در شهرها و کلان شهرها و به خصوص بحران هایی که در شهرهای اسلامی به دلیل تقلید محض اندیشه های غربی و مدیریت شهری نامتناسب با فرهنگ اسلامی پدیدار گشته است سبب رویکرد دوباره به متون اصیل اسلامی و باز قرائت و احیای اندیشه های اصیل اسلامی گشته است. اسلام در نظر بسیاری از محققان آئینی مدنی است که مشارکت جمعی را در عبادت فردی مورد توجه قرار می دهد. اگر چه تقوا تنها منبع سنجش است، این مطلب به طور گسترده پذیرفته شده است که بیشتر تعلیمات اسلام، به بهترین شکل در محیطی شهری نمود پیدا می کنند [۲۵]. این که محورهای اصلی در

شهرسازی چه نوع فضاهایی بوده و انسان را به چه مقوله ای متذکر می شوند و یا هنگام حرکت در شهر چه فضاهایی را در معرض دید ناظر قرار می دهند از جمله این موارد است. تاکید بر مواردی نظیر این که فضاهای فرهنگی شهری مانند مساجد، حسینیه ها، امامزاده ها و ... به عنوان نقاط عطف آکس های اصلی شهری از هر نقطه در معرض دید و توجه باشند و یا به جای این فضاها عناصر شهری دیگری نظیر پارک ها، آسمان خراش ها و ... قرار گیرند و یا این که شهر فاقد هرگونه شاخص فضایی باشد، همه و همه مبین شقوق مختلف از تاثیر و تاثر متقابل اعتقادات، سلیقه ها و ارزش های مقبول و در نتیجه فرهنگ عمومی است [۲۶]. در معماری سنتی این گونه ارزش ها در ساختار شهری به زیبایی لحاظ می شد. به عنوان مثال در شهرهای سنتی با وجود تفاوت سطح اقتصادی ساکنان، این تفاوت به راحتی از ظاهر و نمای بیرونی ساختمان ها احساس نمی شد و فقط با حضور فیزیکی در فضاهای داخلی میزان برخورداری افراد مشخص می گردید. ولی در معماری امروزی به راحتی می توان افراد فقیر و غنی را از ظاهر ساختمان آن ها شناخت و میزان فاصله طبقاتی را به راحتی اندازه گیری نمود. این روند تا آنجا پیش رفته است که شهرهای امروزی به مناطق اعیان نشین و فقیر نشین قابل تقسیم است [۲۷]. در مقایسه با فرهنگ غربی، جوامع اسلامی محافظه کاری زیادی در موضوعاتی چون جنسیت و برابری جنسی شامل حمایت از اعتقاد به نقش برابر برای زنان در خانه و محل کار و فضای عمومی نشان دادند. هم چنین این جوامع در لیبرالی کردن موضوعات جنسی و گرایشات به سمت سقط جنین، طلاق و همجنس گرایی، نسبت به فرهنگ های غربی مقاومت زیادی نشان می دهند. شکی در این نیست که جوامع اسلامی در مقایسه با کشورهای غربی که تقریباً همیشه به صورت سکولار با مسائل برخورد می کنند، در عقاید و ارزش های مذهبی خود پابندی زیادی از خود نشان می دهند اما به این معنی نیست که مسلمانانی که به جوامع غربی مهاجرت کرده اند مانند همتای خود که در جوامع اسلامی زندگی می کنند، ارزش های سنتی و فرهنگی خود را ترویج می کنند بلکه تحلیل ها نشان از آن است که ارزش های پایه ای مسلمانانی که در جوامع غربی زندگی می کنند، در پی غالب شدن ارزش های کشور مقصد، کمرنگ تر شده است. در واقع جمعیت مهاجری که در این جوامع زندگی می کنند در جریان سازگاری با فرهنگ های غربی قرار

می گیرند [۲۸]. در واقع نوع معماری مسکن بسیاری از رفتار ما را شکل می دهد. قبل از آن که انسان آن را بسازد مسکن در اسارت انسان است اما پس از ساخت و ساز، مسکن است که انسان را اسیر می کند و او را می سازد چرا که انسان قبل از ساخت و ساز آن را شکل می دهد اما پس از ساخت و ساز این مسکن است که رفتار انسان را شکل می دهد. این تغییرات ابتدا در موضوع رفتار ظاهر می شود سپس تبدیل به تغییر فرهنگ می شود. برای مثال "تواضع" یکی از مشخص ترین ویژگی های فرهنگ اسلامی است و معماری اسلامی هماهنگی کامل با این ویژگی دارد. بنابراین در معماری اسلامی نه تنها داخل خانه از خارج قابل مشاهده نیست بلکه در بسیاری از خانه ها ورودی طوری ساخته شده است که اگر درب منزل باز شود تحت هیچ شرایطی حیاط و داخل خانه قابل رویت نیست [۲۹]

مکتب مدرنیسم و جهانی شدن

مکتب مدرنیسم از نافذترین جریان معماری و شهرسازی غربی است که از ابتدای عصر پهلوی تا کنون در معماری ایران رواج داشته است. گفت و گو از مدرنیسم در شهرسازی به دو دلیل عمده مبرم و اجتناب ناپذیر شده است: نخست اینکه دوران مدرن فرهنگ جهان شمولی را با خود به همراه آورده است و از آن گریزی نیست تشابه فرم شهرها در نقاط مختلف جهان شاهد این مدعاست. دلیل دوم تبیین اجتماعی - اقتصادی دوره مدرن ایرانی و تبلور سازمان فضایی آن یعنی شهر است. در جهان مدرن دیگر هیچ کس و هیچ چیز مقدس نیست؛ تقدس جایی در زندگی جدید ندارد [۳۰]. جهانی شدن عبارتست از درهم فشردن شدن جهان و تبدیل آن به مکان واحد [۳۱]. جهانی شدن به وسیله توسعه های نوین در فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی تقویت می شود به گونه ای که پیشرفت در این فناوری ها و تقسیم و پخش دانش و اطلاعات، منجر به تغییر شکل جریان جهانی سازی شده و جهان را به یک دهکده جهانی تبدیل کرده است [۳۲]. توسعه و گسترش فناوری های جدید به ویژه فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی و ساختاری در دهه های اخیر در حال دگرگون ساختن ساختار اقتصادی، سیاسی اجتماعی و فرهنگی جهان در ابعاد مختلف است که تحت عنوان جهانی شدن شناخته می شود. از طرف دیگر جهانی شدن با تکیه بر ابزارهای اطلاعاتی،

نیروهای جهانی و ... در حال اثرگذاری بر روی شهرها در ابعاد مختلف و تبدیل شهرهای بزرگ به شهرهای جهانی با عملکردهای خاص می باشد [۳۳]. بعضی از تاثیرات اصلی جهانی شدن بر چشم اندازهای شهری عبارتند از: استانداردسازی و تعمیم نظام های شهری، عریض شدن خیابان های شهری، افزایش ارتفاع ساختمان ها، منطقه بندی و تفکیک کاربری های اراضی شهری [۳۴] متأسفانه امروزه شهر تحت تاثیرات شدید بین المللی تغییر می کند و به سختی امکان ایجاد برنامه ریزی و طراحی مورد نیاز برای نگهداری هویت محلی وجود دارد [۳۵] یکنواختی چشم اندازهای شهری، پدیده ای واضح و نگران کننده است که تحت تاثیر فرآیند جهانی شدن رخ داده است. نشان های جهانی را در هر جایی می توان دید و این علامت ها نه تنها در محصولات که برای فروش و عرضه در اختیار می گذارند، بلکه در الگوهای معماریشان نیز پدیدار است [۳۶]. جهانی شدن فرهنگ، پدیده ای پسامدرن است، چرا که تعهد شدید به تعاریف مسلط غربی از فرهنگ به عنوان پدیده ای جهانشمول و ملی را دچار گسیختگی و تکثر نموده است [۳۷]. هرچند پدیده چندگانگی فرهنگ از ابتدا وجود داشته، اما مطرح شدن عمومی «تکثرگرایی»، در واقع نتیجه جهانی سازی است. جهانی سازی معمولاً به یکپارچگی نظام اقتصادی، استانداردسازی علوم و تکنولوژی و به ویژه پیشرفت عالی شبکه های ارتباطی گفته می شود، این سه عامل اجتناب ناپذیر باعث شده که تمام نقاط جهان به صورت یک دکل ارگانیکی غیر تفکیکی درآیند. جهانی سازی باعث شده است که بعضی از فرهنگ های قوی در تمام جهان گسترش یافته و سایر فرهنگ ها را «همانند خود» و یا «ضمیمه» خود [۳۸] جهانی سازی اقتصاد به عنوان جریان پیشروی جهانی سازی فرهنگ، اگرچه به میزان زیادی، فرصت گفت و گو و تبادل فرهنگی بین ملت ها و کشورهای جهان را افزایش داده است، اما موضوع اصلی این نوع تبدلات توسط فرهنگ قوی غرب طرح ریزی شده است، که گرایش آن نفوذ فرهنگ قوی در فرهنگ ضعیف و بازسازی آن می باشد [۳۹]

اثرات مکتب مدرنیسم بر هویت شهرهای ایرانی - اسلامی

- فرسایش تدریجی نهادهای سنتی و احداث خیابان ها و بلوارها و میادین

- انتقال بخش عمده ای از فعالیت بازار سنتی به خیابان ها یا فعالیت های مدرسه- مسجدهای قدیمی به سایر نهادهای آموزشی
- ایجاد عمارت ها و ساختمان های جدید دولتی در مقابل دیوارهای کهن
- از بین رفتن نقش و کارکرد محله های قدیمی
- نمایان شدن آسمان خراش ها و مراکز تجاری و اداری در مراکز اصلی شهری
- بالاخره ایجاد نهادهای مشابه به شهرهای غربی
- ظهور سیستم سرمایه داری و ایجاد نخست شهرهایی مانند: تهران، قاهره و...
- نیروی محرکه صنعتی موجب پیدایش شهرهای جدید صنعتی مانند: البرز در ایران، جبل در نیون عربستان و...

تحلیل

از آنجایی که یکی از مهمترین زمینه های احراز هویت انسان، ارتباط او با ساخته هایش و با مولفه های فرهنگی و طبیعی و کالبدی محیطش می باشد، هرگونه دگرگونی در این مولفه ها عامل تحول در هویت وی نیز خواهند شد. باورهای دینی که از اصلی ترین عوامل شکل دهنده ی هویت ملی و هویت جمعی ملل و جوامع، و به ویژه صبغه معنوی کشورهای اسلامی است با نفوذ فرهنگ سکولار غربی روز به روز کمرنگ تر می شود. بحران هویت که به اشتباه به بی هویتی تعبیر می گردد، یکی از مهمترین بحران ها و چالش هایی است که انسان دوره معاصر با آن روبرو شده است و این بحران چیزی جز نتیجه ی غفلت انسان از بعد معنوی حیات خود نمی باشد. در مقالات مختلف مانند: "تاملی در چیستی شهر اسلامی" از دکتر محمد نقی زاده، "مبانی شکل گیری و اصول سازمان یابی کالبدی شهر اسلامی" از مهندس جابر دانش، "ماهیت اجتماعی شهر اسلامی" از دکتر احمد پور احمد و سیروس موسوی، "در جست و جوی شهر اسلامی پایدار" از حسین رحیمی و ... بیشتر بر ویژگی های شهر اسلامی و مبانی نظری شهر اسلامی تاکید کردند فلذا در این مقاله بیشتر سعی شده است به تاثیر نفوذ مدرنیسم بر هویت شهرهای ایرانی- اسلامی و ارائه راهکارهایی

در جهت برون رفت از مشکلات مکتب مدرنیسم و احیاء هویت ایرانی - اسلامی شهرها پرداخته شود.

نتیجه گیری

بعد از اینکه مدرنیسم به دنبال رنسانس شکل گرفت با شعار عقلانیت، فرزاندگی انسان و روشنگری توانست از اوایل قرن بیستم جریان شهرسازی آن زمان را تحت تاثیر قرار دهد. این جنبش که همزمان با حرکت وسیع خانه سازی در اروپا و کمک به بازسازی های ناشی از خرابی های دو جنگ جهانی توانست با رهیافت های خاص خود که در طی ۱۰ کنگره و به خصوص منشور اتن بر عرصه طراحی و شهرسازی نزدیک نیم قرن حکومت کند. این رویکرد انبوه سازی، استانداردگرایی، منطقه بندی عملکردی و تبعیت هنر از تکنیک را در کنار اقتصادی بودن آن مدنظر قرار داده بود. در این رویکرد که جایی برای موقعیت، سنت، مکان و فرهنگ نبود، آسمان خراش ها و برج های شیشه ای یکسان و مشابه و پاسخگویی به ماشین و سرعت به جای نیازهای روانی انسان و کمی گرایی به جای کیفیت فضاهای شهری در اولویت قرار گرفته بود. از دهه ۶۰ قرن بیستم اعتراضات به اینگونه برنامه ریزی و طراحی شهری اوج گرفت در نهایت با فروپاشی مجتمع مسکونی پوریت اینگو در ایالت سن میسوری آمریکا که به سبک مدرنیسم طراحی شده بود مرحله جدید فکری در فرایند شهرسازی تحت عنوان پست مدرنیسم خود را در اندیشه های اندیشمندان معترض ظاهر ساخت. که در حقیقت عکس العملی است بر آنچه که در شهرسازی مدرنیست مورد غفلت و بی توجهی قرار گرفته بود. فرهنگ انسان که متأثر از جهان بینی و باورها و تاریخ و سایر مولفه ها است در شکل دادن هویت او نقش اساسی ایفا می کند. در ایران فرم پدید آمده در فرایند مدرنیسم با محتوای فرهنگی و ارزش های مردم بیگانه و ناسازگار است، از آنجایی که

این تغییر و تحول در فرم به طور ناگهانی و یک باره صورت پذیرفت اشکال بی شکلی را پدید آورد. و تنها راه برون رفت از این چالش بازگشت به ارزش های والای فرهنگ و معماری و هویت ایرانی - اسلامی است.

راهکارها و سیاست های مدیریتی - اجرایی جهت جلوگیری از نفوذ مکتب مدرنیسم و احیاء هویت ایرانی - اسلامی

- (۱) تقویت فضاهای معنوی در کالبد شهرها با تاکید بر مرکزیت و محوریت مسجد در فضاهای شهری.
- (۲) عدم تقلیل نظارت بر ساخت و سازها به نظارت سازه ای و تاکید هرچه بیشتر بر نظارت فرهنگی معماری و عدم تقلیل سیاست های ساماندهی به تخریب و توجه به بازسازی با نوسازی کالبدی بافت های فرسوده.
- (۳) ایجاد و گسترش مجموعه های رفاهی - اقتصادی، آموزشی و فرهنگی مشتمل بر ترکیبی منسجم از پارک، فروشگاه، کتابخانه و مسجد در نقاط مرکزی و محوری شهرک ها، محله ها و مناطق شهری و روستایی.
- (۴) حمایت از طراحی و اجرای الگوهای همگرا در معماری اماکن عمومی نظیر مدارس، دانشگاه، بیمارستان ها، و ... به منظور کاهش میزان اشراف در بناهای غیر هم سطح.
- (۵) پیش بینی محل برگزاری نمازهای جماعت و مراسم عبادی جمعی در درون یا جنب ساخت و سازهای شهری دارای تراکم عمودی یا تراکم سطحی جمعیت نظیر برج های مسکونی و مجموعه های تجاری به منظور زمینه سازی و تسهیل در جریان ارتقای فرهنگی مردم.
- (۶) اهتمام نسبت به طراحی و اجرای الگوها و فضاهای مسکونی که در آن ها علاوه بر مراعات شاخص های مقاوم سازی و زیست محیطی، نسبت به تامین امنیت اخلاقی و استقلال و عدم اشراف بیشترین توجه شده باشد.
- (۷) حمایت از طراحی، ایجاد و گسترش بناهای مسکونی که توزیع فضاهای داخلی آن ها بر اساس تامین حداکثری آزادی، آرامش فرهنگی و زمینه های رفاهی برای

اعضای خانواده و به خصوص زنان، از طریق کاهش ارتباطات غیر ضروری با غیر محارم معماری شده باشد.

۸) شناسایی نقاط ضعف و آسیب شناسی معماری سنتی اسلامی - ایرانی در رابطه با فضای جامعه معاصر و سعی در تطبیق، اصلاح و بالاتر بردن کارایی و کاربرد آن (طولانی بودن زمان ساخت، نوع مصالح به کار گرفته شده و ...).

۹) اجرای الگوهای بومی معماری و شهرسازی در شهرک های در دست احداث و تازه تاسیس.

۱۰) اصلاح روند صدور مجوزهای ساختمانی ضمن تاکید بر طراحی نمای ساختمان ها با توجه به هویت ایرانی و فرهنگ اسلامی.



منابع

۱. باقری بروجردی، م. حدیث زندگی؛ سنت و نوگرایی، ش ۱۳، ۱۳۸۲.
۲. چوپانی، ی. پدیده جهانی شدن فرهنگ ها، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۳، پاییز، ۱۳۸۸.
۳. حبیبی، م، جابری، ه. در جست و جوی اصول حاکم بر نو پردازی شهری، مجله صغه، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۳۸۶، ۴۱.
۴. حبیبی، م، جابری، ه. در جست و جوی اصول حاکم بر نو پردازی شهری، مجله صغه، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۳۸۶، ۴۱.
۵. قاسمی، و، فریدون و، ربانی، ر، ذاکری، ز. شناخت تاثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نسبت به جریان نوگرایی در شهر اصفهان، جامعه شناسی کاربردی، س ۲۱، ش ۱، ۱۳۸۹.
۶. قاسمی، و، فریدون و، ربانی، ر، ذاکری، ز. شناخت تاثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نسبت به جریان نوگرایی در شهر اصفهان، جامعه شناسی کاربردی، س ۲۱، ش ۱، ۱۳۸۹.
۷. تیبالدز، ف. ترجمه: احمدی نژاد، م. شهرسازی شهروندگرا، نشر خاک، ۱۳۸۳.
۸. امیربانی، م. پست مدرنیته و معماری (بررسی جریان های فکری معماری معاصر غرب ۲۰۰۰-۱۹۶۰)، اصفهان: نشر خاک، ۱۳۸۸.
۹. حبیبی، م، جابری، ه. در جست و جوی اصول حاکم بر نو پردازی شهری، مجله صغه، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۳۸۶، ۴۱.
۱۰. امیربانی، م. پست مدرنیته و معماری (بررسی جریان های فکری معماری معاصر غرب ۲۰۰۰-۱۹۶۰)، اصفهان: نشر خاک، ۱۳۸۸.
۱۱. چوپانی، ی. پدیده جهانی شدن فرهنگ ها، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۳، پاییز، ۱۳۸۸.

۱۲. ابدالی، ا. احیاء و مرمت بافت تاریخی با اهداف هویت اسلامی و تکیه بر توسعه معماری پایدار، اولین کنفرانس تخصصی معماری و شهرسازی ایران، ۱۳۹۴.
۱۳. جابری مقدم، مرتضی هادی (۱۳۸۴)، شهر و مدرنیته، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۱۴. پاکزاد، جهان‌شاه. سیراندیشه هادرشهرسازی، جلد اول، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، تهران، ۱۳۸۶.
۱۵. سلطان زاده، ح. مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵.
۱۶. پوراحمد، ا. یزدانی، د. تاثیر مدرنیسم بر توسعه کالبدی شهرهای اسلامی (نمونه موردی: شهر تبریز، فصلنامه پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۰، ۱۳۸۴.
۱۷. رهنمایی، م، شاه حسینی، پ. فرآیند برنامه ریزی شهری ایران، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
۱۸. حسین اف، ف م و همکاران، برنامه ریزی و ساخت شهرهای کوچک، ترجمه غلامرضا خسرویان، نشر فروزش، تبریز، ۱۳۸۲.
۱۹. اهلرس، ا. ایران (شهر-عشایر-روستا)، ترجمه عباس سعیدی، منشی، تهران، ۱۳۸۰.
۲۰. حسین اف، ف م و همکاران، برنامه ریزی و ساخت شهرهای کوچک، ترجمه غلامرضا خسرویان، نشر فروزش، تبریز، ۱۳۸۲.
۲۱. اهلرس، ا. ایران (شهر-عشایر-روستا)، ترجمه عباس سعیدی، منشی، تهران، ۱۳۸۰.
۲۲. ابراهیمی، م. معماری در دو شهر، مجله بین المللی و شهرسازی، ۲۰۱۲.
۲۳. پاپلی یزدی، م، ابراهیمی، امیر. نظریه های توسعه روستایی، چ ۳، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
۲۴. نقی زاده، م. هویت شهر (مبانی، مولفه ها و جلوه ها)، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۳.
۲۵. شیخ، د. بررسی گرایش ایران مدرن معماری و چالش ها، مجله علم جاده، ۱۳۹۳.
26. Rabah saoud, (2002). Introduction to the Islamic city, Foundation for Science technology and civilization (www.citymuslims.org/pdf/Islamic-City.pdf)
۲۷. امامی، ج. معماری تبلور فرهنگ و اندیشه، حفظ ارزش های فرهنگی در معماری و شهرسازی، فرهنگ عمومی، معماری و شهرسازی (مجموعه مقالات)، انتشارات زمان نو، ۱۳۸۸.
۲۸. امامی، ج. معماری تبلور فرهنگ و اندیشه، حفظ ارزش های فرهنگی در معماری و شهرسازی، فرهنگ عمومی، معماری و شهرسازی (مجموعه مقالات)، انتشارات زمان نو، ۱۳۸۸.
29. Inglehart, R., Norris, P. (2009). Muslim integration into Western cultures: Between origins and destinations, 1-38.
۳۰. املشی، ا. موسوی، س. فلکیان، ا. ویژگی خانه مناسب از نظر اسلام در مقایسه با معماری مدرن، ۱۳۹۱.

۳۱. حبیبی، م، جابری، ه. در جست و جوی اصول حاکم بر نو پردازی شهری، مجله صفا، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۳۸۶، ۴۱.
۳۲. رابرتسون، ر. جهانی شدن، تئوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۰.
33. Alexandru, A., Ianculescu, M., Paryan, M., & Jitaru, E. (2007, November). ICT and its impact upon the globalization and accessibility of the education in the health domain. In Paper International Conference on Education and Educational Technology (pp. 287-291).
۳۴. شمس، م، صفاری راد، ع، قاسمی، ا. تاثیرات جهانی شدن بر ساختار کالبدی شهرهای اسلامی نمونه موردی: کلانشهر اصفهان، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال پنجم، شماره ۱۷ بهار ۱۳۹۴، صص ۱۳۴-۱۳۹، ۱۱۹.
۳۵. میرقلی، م، مقدم، ن. بررسی اثر جهانی شدن بر فرم شهری تهران، موسسه آموزش عالی خاوران، مشهد، ۱۳۸۹.
36. Kaymaz, I. (2013). Urban landscapes and identity. Additional information is available at the end of the chapter.
۳۷. نش، کیت. جامعه شناسی سیاسی معاصر (جهانی شدن، سیاست، قدرت)، ترجمه: محمد تقی دلفروز؛ تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۰.
۳۸. الهامی، م. جهانی سازی و فرهنگ چین، تهران؛ انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۸۸.
۳۹. الهامی، م. جهانی سازی و فرهنگ چین، تهران؛ انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۸۸.
- 
- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Assessment of the effects of modernism on the identity of Iranian-Islamic cities

Ensiye Seyyed Alian,^۱ Komeil Abdi^{*}, Shamila Allahyari [‡]

Received: 2018/05/01

Accepted: 2018/09/09

Abstract

Modernism is a phenomenon whose earliest signs were manifested by the start of two industrial and political revolutions in England and France in the eighteenth century. The main feature of modernism is permanent and dynamic transformation. Modernism (the intellectual movement that continues) always challenges itself with aging, old-fashionedness and backwardness. This school was introduced as a general theoretical model for the liberation of man from irrational fences, trampled traditionisms and fictional legends, and modern man has the features of: readiness to accept new experiences, independence, scientism, mobility, Using planning, etc. Today's urban life is one of the hallmarks of the influence of modernism on the lives of human societies. Despite all the complexity of the concept of identity and different perceptions of scholars, it is not clear about the fact that the identity of contemporary Iranian-Islamic cities has come to a halt and has become abstract. This paper, using library books and documentary studies, attempts to study the effects of the school of modernism On the identity of Iranian-Islamic cities and problems. According to many experts, weaknesses in architectural and urban management system make inappropriate use of indigenou and climatic culture, the lack of formation of cohesive nongovernmental institutions, lack of attention to the potential of traditional textures and historicist approaches without proper attention to the components of historical architecture and Iranian identity. - Islam is one of the causes of the crisis in the Iranian-Islamic identity. At the end of the article, there are some solutions to the problems of the school of modernism and the revival of Iranian-Islamic identity.

Key words: Modernism, identity, Iranian-Islamic city, spatial development.

^۱ Ph.D. in Geography and Urban Planning, Islamic Azad University, Semnan-Iran Branch

^{*}- Ph.D. in Geography and Urban Planning, Islamic Azad University, Semnan-Iran Branch

komeil.abdi69@gmail.com

[‡] Graduate Student of Geography and Urban Planning, University of Guilan